

### در مورد گروههای چپ و

نتایج انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه و انتخابات محلی در بریتانیا

بخش هایی از

## سخنرانی یاسمین میظر

## مصاحبه با پرفسور «هیلال تیکتین»

در پل تاک خانه کارگر آزاد

۱. اگر ممکن است در مورد شکست نیروهای ستر وسط (چپ و راست) در این دو انتخابات توضیح دهید

به نظر من اهمیت مبارزه طبقه کارگر در این مرحله از رشد و انحصاری شدن سرمایه، از آن جهت اهمیت ویژه دارد که علاوه بر رهایی این طبقه، تضمین دمکراسی در ایران، تنها با تغییر و تحولی اساسی در روابط اقتصادی اجتماعی به رهبری این طبقه میسر است. مگر آنکه جمعی از بین ما پس از دیدن این همه نمونه در اروپا، همچنان توهم داشته باشد که سرمایه داری قادر است دخالت آحاد جامعه آزادی مطبوعات، آزادی تجمع، آزادی های در سرنوشت سیاسی خود و «تعديل تفاوت طبقاتی» را میسر سازد. با به پایان رسیدن دوران سوسیال دمکراسی و استالینیسم، انتخاب امروز در سطح جهان واضح و روشن است، سرمایه داری نه در پی تعدیل تضادهای طبقاتی یا تضاد بین شمال و جنوب است و نه توانایی آن را دارد. از این روست که به نظر من تضمین دمکراسی در ایران، تضمین آزادیهای بی قید و شرط، سیاسی، آزادی زنان و ... امکان پذیر نیست جز آنکه در روابط اقتصادی حاکم بر جامعه، تغییر و تحولات اساسی صورت گیرد. اینجاست که مبارزات این طبقه، نه فقط در عرصه اقتصادی، بلکه در چهارچوب اوضاع سیاسی، تعیین کننده و سرنوشت ساز است.

جواب : سیستم پارلمانی دچار افت شده است. برخلاف تبلیغات رایج، این نظام (آنچه به آن دمکراسی میگویند) نسبتاً جوان است. در بریتانیا تا سال ۱۹۲۸ زنان حق رای نداشتند و تنها در پایان جنگ جهانی اول زن و مرد بالای سی سال حق رای بدست آوردند. در ایالات متحده آمریکا بسیاری از سیاه پوستان تا دهه ۶۰ قرن ۲۰ حق رای نداشتند. پس ما در حقیقت از نظامی صحبت میکنیم که تنها پس از جنگ جهانی دوم در اروپا، ایالات متحده و برخی کشورهای دنیای سوم عملکرد داشت. در آغاز، رشد سوسیال دمکراسی و دولت رفاه باعث شد این نظام از حمایت گسترده ای برخوردار باشد اما افت دولت رفاه، گسترش بیکاری، افت مزد واقعی و گسترش نابرابریهای اجتماعی همگی باعث شد این نوع سیستم دمکراتیک زیر سوال برود. همه احزاب بزرگ، به استثنای احزاب استالینیست رویهم رفته سیاستهای کم و بیش مشابهی را دنبال میکردند که هدف آن حمایت از بازار و گسترش ارتش ذخیره نیروی کار بود. احزاب استالینیست، اگرچه در سالهای اول پس از جنگ جهانی دوم از حمایت مردم برخوردار بودند اما سالها قبل از سقوط اتحاد جماهیر شوروی این موقعیت خود را از دست دادند. رویهم رفته آنجا که منافع طبقه کارگر را قربانی منافع بخش «الیت» در اتحاد جماهیر شوروی کرده بودند، هیچگاه اپوزیسیون جدی به شمار نمیرفتند و رویهم رفته سیاستهایشان چندان متفاوتی با سیاستهای احزاب دیگر نداشت، از جمله در فرانسه که چندین بار در دولت شرکت داشتند. طی چند سال گذشته دولت ائتلاف سوسیال دمکراتها، حزب کمونیست و سبزها همان سیاستهای قدیمی درهم شکستن دولت رفاه، خصوصی سازی شرکتهای دولتی را دنبال کرده است. نرخ حقیقی بیکاری همچنان بالاست (همچون دیگر کشورهای اروپای غربی). سوسیال دمکراسی بی آبرو شده است و حزب کمونیست هم از مدتها پیش از سرنگونی شوروی، نیرو از دست میداد. تنها وجه متفاوت وقایع اخیر این است که حزب سبزها نشان داده است که در پیاده کردن سیاستهای ضد کارگری تفاوتی با احزاب سوسیال دمکرات ندارند. در بریتانیا، سه حزب اصلی سیاستهای مشابهی دنبال میکنند، هر سه مدافع بازار، خصوصی سازی و آنچه به اصطلاح به آن «انعطاف» کار میگویند، یعنی سیاستهای ضد کارگری هستند. نرخ واقعی بیکاری مردان حدود ۲۱ درصد است که در آمار رسمی درج نمیشود. مردم عادی، کارگران، دلیلی نمی بینند به احزاب بورژوازی رای بدهند. گسترش فاصله فقر و ثروت و درگیری ثروت با سیاستمداران (چه به صورت آشکار و چه اشکال غیر مستقیم) آنگونه که امروز در بریتانیا شاهد آن هستیم، باعث شده اکثر مردم به سیاستمداران بی اعتماد شوند و نسبت به آنها نظر منفی داشته باشند. .... دنباله در ص ۵

.... دنباله در ص ۲

### در صفحات دیگر می خوانید:

پیام های همبستگی با کارگران ایران

اخبار مبارزات کارگران ایران

اطلاعیه انجمن ایرانیان سوسیالیست - لندن

اطلاعیه مربوط به سخنرانی های اتحاد چپ در آمریکا، اطلاعیه

مربوط به سمینار اتحاد چپ در لندن

اطلاعیه مربوط به سخنرانی نماینده اتحاد چپ در کنفرانس حزب

سوسیالیست اسکاتلند ...

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم!

## .... دنباله سخنرانی یاسمین میظر از ص ۱

مالی است.» در برابر مشکلات اقتصادی بخش ارتباطات (الکترونیکی) که بنا بود ناجی اقتصاد بحران زده باشد، سرمایه داران این شرکت‌ها با وقاحت میگویند کارگر ارزانتر و بی‌دردسر در آسیای جنوب شرقی سراغ دارند.

بحران اقتصادی سال ۹۸ در آسیای جنوب شرقی، اگرچه با دخالت سرمایه جهانی مهار شده است، دلایل اصلی این بحران همچنان باقی است و تزریق کمک مالی توسط صندوق بین‌المللی پول نتوانسته تولید صنعتی را بالا ببرد یا وضع بانک‌های این منطقه را بهبود بخشد. ژاپن در یازدهمین سال «افت اقتصادی» و اقتصاد سرمایه داری در کشورهای بلوک شرق سابق هنوز به راه نیافتاده، با شکست و بحران روبروست و همانطور که بعداً اشاره خواهیم کرد، این کشورها مانند ایران، نمونه‌های بارزی از سیاست عدم پرداخت حقوق کارگران هستند. علاوه بر این، اوضاع اقتصاد آمریکا و اروپا البته قبل از ۱۱ سپتامبر بحرانی بوده است.

در سطح اقتصاد جهانی، ما با اضافه تولید در بخش‌های مهمی همچون تولیدات صنعتی و ماشین، روبرو هستیم، بخش الکترونیکی و تلفنی که بنا بود ناجی سرمایه در قرن ۲۱ باشد، با بحرانی شدیدتر از بخش‌های سنتی اقتصادی روبروست و تأثیر آن بر بورس سهام سرمایه که بسیاری از طرح‌های خود را بر اساس «سهام آینده‌نگر یا بازار فوتوریست» پایه‌ریزی نموده بود، واضح و آشکار است.

در برابر چنین بحرانی است که منافع اقتصادی غرب، با همه ادعاهای دفاع از دمکراسی و حقوق بشر، دفاع از «دیکتاتوری» و دفاع از بی‌حقوقی کارگران را در سطح جهانی میطلبد و دیکتاتوری لازم دارد.

علاوه بر روند مونوپولیست و خطرناک رشد سرمایه، در ایران و بسیاری کشورها، تابع شرایط سنگین وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند و ما شاهد «خصوصی‌سازی‌ها» و در نتیجه، بیکارسازی‌های گسترده هستیم که همگی شرایط واجب و لازم پذیرش این دو سازمان جهانی است. علاوه بر این، سرمایه داری دلالتی که با از بین رفتن سرمایه تولیدی در جنگ ایران و عراق و پس از آن، وارد مرحله جدیدی شد، کارگران را قربانی سیاست سرمایه کرده است. تصورش را بکنید اگر حقوق دمکراتیک در ایران و حق تشکل کارگران در ایران (یا روسیه یا لهستان ...) وجود داشت، آیا میشد با اتکا به بیگاری این کارگران، هزاران کارگر اروپایی را بیکار کرد؟ از طرف دیگر، نبوغ ویژه‌ای لازم نیست تا دریافت که روزی که اتحاد جهانی نیروی کار میسر شود (و روابط جمعی کنونی از نظر تکنیکی چنین اتصالی را میسر کرده است) سرمایه جهانی با چه نیروی متحد، سازمان‌یافته و بی‌نظیری روبرو می‌شود؟

نرخ رسمی تورم، ۳۰ تا ۳۵ درصد است و حقوق اکثر کارگران طی ۵-۶ سال گذشته، اگر پرداخت شده باشد، بالا نرفته یا در سطحی کمتر از ده درصد در سال بالا رفته است. ایران همچنان تنها متکی به تولید نفت است. ۸۰ درصد درآمد ایران از فروش نفت بدست می‌آید. قرض ایران به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار است. سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ۳۹.۷ میلیون دلار است (صادرات عمدتاً به ژاپن ۲۰ درصد، ایتالیا ۷ درصد، و واردات از آلمان ۱۱ درصد و ایتالیا ۳.۸ درصد مهم‌ترین شرکای بازرگانی ایران هستند).

بنگاه‌ها و صنایع دولتی، ۶۷ درصد بودجه سالانه کشور را به خود اختصاص میدهند. علاوه بر این، فساد و رشوه‌خواری غوغا میکند و معدودی روحانی و «آقازاده» با بهره‌گیری از بنیادها، شرکتهای مذهبی و دولتی، ثروتهای بیکران بدست آورده‌اند. پیش‌بینی سازمان برنامه و بودجه این بود که صادرات نفت در سال ۱۳۸۰، ۳۲ درصد صادرات کل کشور را دربر خواهد گرفت. .... دنباله در ص ۳

در شرایطی که این طبقه مورد حمله همه‌جانبه است، در شرایطی که مقاومت آن (البته در مبارزهای دفاعی) و اشکال مبارزاتی آن از دیگر اقشار جامعه، رادیکال‌تر، پیگیرتر است، چهارچوب تغییر تحولات اساسی اقتصادی کوشش ما باید در هم آمیختن جنبه‌های استراتژیک و تاکتیکی این مبارزات باشد. در اول ماه مه، لازم است به یاد بیاوریم که در اعتراضات کارگران شیکاگو، شعار کارگران اعتصابی که کارد به استخوانشان رسیده بود، این بود که «ما میخواهیم همه چیز را عوض کنیم!» تا آنجکه به چپ برمی‌گردد، اگر صحبت از مبارزه برای سوسیالیسم و آنهم از امروز معنی دارد، بررسی، حمایت، و فعالیت در دفاع از مبارزات این اجتماعی در جامعه‌ای مثل ایران در طبقه، باید در رأس فعالیت‌های روزمره ما باشد، آنهم بدون کوشش برای پیاده کردن خط حزبی، دیدگاه‌های سکتاریستی! و وقتی میگویم در رأس، به این معنی است که تأکید دارم به خاطر داشته باشیم مرحله کنونی رشد سرمایه جهانی غیرممکن است و کسانی که غیر از این فکر میکنند، به نظر من دیر یا زود متوجه خواهند شد که یک جنبه از بن‌بست اصلاح طلبان درون حکومتی در ایران (منهای جنبه مذهبی آن) بن‌بست راه حل اصلاح سرمایه داری در ایران است.

برای شروع بحث پیرامون موقعیت طبقه کارگر ایران باید از اوضاع اقتصادی ایران و جهان شروع کرد. ما امروز با شرایطی مواجه هستیم که در برابر رشد کمی مبارزات کارگری، اکثر این مبارزات (همچون مبارزات کارگری در سایر نقاط جهان) تدافعی است، حفظ موقعیت موجود یا برگشت به اوضاع چند سال پیش) حفظ کار، به هر قیمت، از طرف دیگر گسترش فقر در سطحی بی‌سابقه بر ایران حاکم است. هزاران کارگر هر هفته در سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در شهرهای ایران در مقابل محل کار خود، در جلو شهرداریها، در مقابل اداره کار، استانداری‌ها، به همراه خانواده خود دست به اعتراض و تظاهرات زده‌اند، جاده بسته‌اند، تحصن کرده‌اند. عدم پرداخت حقوق کارگران در ایران، اگرچه از جنبه‌ای نتیجه اجتناب‌ناپذیر بحران اقتصادی در ایران است، از جنبه‌هایی نشانه‌ای از برنامه سیستماتیک سرمایه داری ایران برای تضعیف طبقه کارگر، حفظ این طبقه در موقعیت ضعف و درماندگی است. دو مقوله «انعطاف deregulation» یا حذف قانون، محبوب‌ترین مقوله‌های مورد احترام سرمایه، در سطحی بیسابقه در ایران عمل میکنند. لغو مشمولیت کارگاه‌های زیر ۵ نفر از قانون کار، افزایش کار موقت و گسترش بیکاری، شرایط ویژه‌ای بوجود آورده است. اگر در سال‌های میانه قرن بیست، سرمایه داری کشورهای متروپول کوشش میکردند با تقویت استثمار کارگران کشورهای در حال توسعه، از گسترش فقر و بدبختی در کشورهای خود جلوگیری کنند، در قرن بیست و خصوصاً در اولین سال قرن بیست و یک، هر گونه تظاهر به «تعدیل تفاوت طبقاتی» در غرب، کنار گذاشته شده است و این روزها سرمایه حتی نگران، فقر، بیکاری و نفی حقوق شهروندی اقشار گسترده تولیدکننده در درون مرزهای خود هم نمی‌باشد، تا چه رسد به نیروی کار در کشورهای حاشیه‌ای.

با بیکاری هزاران هزار کارگر در بخش‌های تولیدی صنعتی در انگلیس، آلمان، سوئد، فرانسه و آمریکا، اگرچه کارگران مجبور شده‌اند حقوق پائین، بی‌قانونی شرایط کار، و غیبت اتحادیه‌های کارگری را بپذیرند تا اقلاً کار داشته باشند، اما با این‌همه، هر هفته تعداد بیشمار کارگر در این کشورها، کار خود را از دست میدهند (ایالات متحده در روز ۳ مه ۲۰۰۲، رقم بیکاری در این کشور را ۶ درصد اعلام کرد) چراکه در برابر کارگر مجانی «بی‌حقوق» در ایران، هر کارگری که حقوقی ولو ناچیز میگیرد، «ضرر

**زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران!**

## .... دنباله سخنرانی یاسمین میظر از ص ۲

به اعتراف دولت. هر سال ۸۰۰ هزار جوان وارد بازار کار میشوند. در حالیکه هنوز درصد بلایی از نیروی کار عرضه شده در سال قبل. کار پیدا نکرده‌اند. جمعیت شهرنشین ایران ۴۱.۹ میلیون و جمعیت روستایی ۲۳ میلیون نفر است. مطابق تخمین سازمان برنامه و بودجه ایران. درصد بیکاری (رسمی) در سال ۱۳۷۹، ۱۴.۹ درصد و در سال ۱۳۸۰، ۱۶.۲ درصد بوده است.

رقم واقعی، اقل ۳۰ درصد است. تازه این رقم را صدها هزار، چه بسا یک میلیون و نیم کارگری که بدون حقوق هر روز به سر کار میروند، ولی در حقیقت محل کارشان (کارخانه یا کارگاه) تعطیل شده است. (یا کارگرانی که ماهها حقوق نمیگیرند و بعد از مدتی حقوق یکماه به آنها داده میشود) را در برنمی‌گیرد. از این گذشته، پیش‌بینی‌های سازمان برنامه. درصد بالای بیکاری در نساجی را به حساب نمی‌آورد. تعجب‌آور نیست که ما تنها شاهد افزایش اعتراضات کارگری هستیم. بلکه اشکال رادیکال این مبارزات، وجه چشمگیر آن است و اثبات‌کننده همه حرفهای «کهنه و دمده» در مورد توانایی طبقه کارگر در پیشبرد مبارزه است. تحصن. بستن جاده‌ها. اعتراضات خیابانی و ... در مقایسه با سال قبل، دوبرابر شده است چراکه فاصله فقر و ثروت گسترش یافته است. کارگران بیشماری بیکار شده‌اند و رکود در تولید غوغا میکند.

در اخباری که من برای ترجمه دیدم که البته تنها بخش ناچیزی از مبارزات کارگری در سال ۱۳۸۰ است. ۹۸ مورد تجمع در مقابل کارخانه. ادارات دولتی بوده. ۱۷ اعتصاب بوده. ۲۳ مورد تحصن. ۱۶ راهپیمایی طولانی. ۲۲ مورد بستن جاده و ۱۹ مورد صدور قطعنامه. بیانیته ... که حتی در مقایسه با سال ۱۳۷۹، همه این ارقام بالا رفته است.

در برابر خصوصی‌سازی‌های گسترده (که فراموش نکنیم شرط وام‌هایی است که ایران گرفته) پاسخ نماینده خانه کارگر این است که اشکال این بوده که سهام را به کارگران نفروختند. گویی هدف حفظ کار بوده. منطق اضافه کردن سود ایجاب میکند که وقتی قیمت زمین از خرج حفظ تولید بیشتر است. تولید بسته شود. بلایی که سر اکثر کارخانه‌های خصوصی‌سازی شده بنیاد مستضعفین آمده است. صاحب جدیدی در پی تعطیلی کارخانه است. چراکه زمین برای خانه‌سازی منفعت بیشتری دارد. (تازه این بحث کارگران صاحب سهام. این روزها در غرب. بعد از ورشکستگی انرون. به شوخی تلخی بدل شده است.)

پاسخ سرمایه‌داری (دیدگاه سرمایه سلطنت‌طلب. جمهوریخواه) از این هم جالب‌تر است. مفسر اقتصادی رادیو آزادی معتقد است در ایران به اندازه کافی «خصوصی‌سازی صورت نگرفت. انعطاف کافی موجود نیست و «دیرگولاسیون» لازم است.»

با این‌همه باید به ضعف‌های این مبارزات کارگری هم اشاره کرد. ۱- هماهنگی سراسری به ندرت دیده میشود و تنها در چند مورد مشخص. در اعتراض علیه قانون کار. و یا اول ماه مه. حرکت سراسری بوده است. در مواردی کارگران دو یا سه کارخانه نزدیک به هم. اعتراض مشترک برپا کرده‌اند. ۲- اکثر این مبارزات حالت دفاعی دارند و هدفشان حفظ موقعیت اسفناک موجود و یا موقعیت چند سال پیش

است. البته این تنها در ایران نیست. موقعیت کنونی در سطح جهان. باعث شده نه تنها در ایران که در اکثر جهان ما شاهد مبارزات کارگری نه برای حقوق بهتر که برای حفظ حق کار و دستمزدهای سال گذشته باشیم. ۳- اوضاع اقتصادی و بحران تولید. باعث رشد کار غیررسمی (کار سیاه) دستفروشی. کارهای کم‌درآمد و موقتی شده است که این نیز به پراکندگی طبقه کارگر و ضعف این طبقه در مقابله با نظام سرمایه کمک میکند.

۴- ممنوعیت فعالیت کارگری در دهه‌های گذشته باعث تبعید، دستگیری، اعدام کارهای کارگری شده و طبعاً سابقه و حافظه مبارزتی را در زمینه‌هایی تضعیف نموده است.

۵- انجمن‌های اسلامی. شوراهای اسلامی کارخانه ... همچنان در مخدوش کردن این مبارزات. و به هدر دادن انرژی جمعی از کارگران نقش دارند و در مواردی مبارزات کارگری را به حد تقاضا و گدایی تقلیل داده‌اند که اهانتی است به طبقه کارگر. در موارد دیگری. سوءاستفاده از خواست‌های کارگری برای دفاع از منافع جناح‌های حکومتی.

نکات مثبت این مبارزات:

۱- شرایط سیاسی ایران طوری است که همه این مبارزات. خود به خود در اولین قدم. به رویارویی با نیروهای انتظامی. بسیج و ... می‌انجامد و در نتیجه. بلافاصله سیاسی میشود و اینجاست که این حرکات کارگری. خود به خود با آینده مبارزات آزادیخواهانه. دشمن مشترک پیدا میکند و اگرچه هنوز برنامه و هم‌آهنگی مشترکی در این اعتراضات دیده نمیشود. اما شکی نیست که تاکتیک‌های طبقه کارگر در اعتراضات سال گذشته از خلاقیت. و رادیکالیسم کم‌نظیری برخوردار بوده است و (مقایسه کنیم با نامه‌نوشتن‌ها و طومار جمع‌کردن‌های دو سه سال پیش. حال مدیر را زندانی میکنند) و مطمئناً در شرایط گریج‌سری و بحران در جنبش دانشجویی. عقب‌نشینی مطبوعات. سال ۱۳۸۰. سال مبارزات کارگری بوده است و در این رابطه شرکت کارگران زن (یا خانواده کارگران) در این مبارزات مهم است.

۲- بسیاری از نیروی کار در کارخانه و صنایع بزرگ. نیروی جوان. دیپلمه. آگاه و مبارز است و از موقعیت ایران در جهان. و نظام موجود ... آگاهی دارد. این پتانسیل را دارد که از شیوه‌های جدید ارتباطی برای ایجاد هماهنگی‌های عملی استفاده کند.

۳- اما وظایف چپ در برابر این همه حرکت اعتراضی چیست؟ از اشتباهات گذشته چه درسی باید گرفت؟

فکر نمی‌کنم لازم باشد در رابطه با لزوم استقلال این تشکل‌ها از دولت‌های ارتجاعی. سرمایه‌داری. مذهبی و ایدئولوژیک حرفی زد. تجربه خانه کارگر. حزب اسلامی کار. شوراهای اسلامی و امثالهم. بر همگان واضح است. حتی در کشورهای پیشرفته. تشکل‌های کارگری وابسته به احزاب سوسیال دمکرات. به طور مثال در انگلیس و آلمان که زمانی به تشویق این احزاب. درگیر مسائل سیاسی بودند. امروز با به قدرت رسیدن سوسیال دمکرات‌ها در اروپا. به بخشی از نظام حاکم برای تضعیف طبقه کارگر. غیرسیاسی‌کردن فعالیت‌های کارگری و ... تبدیل شده‌اند.

.....دنباله در ص ۴

آفریقای جنوبی ... به ضرر همه آنهاست، تأکید بر اینکه، بیکاری کارگران در اروپا، نتیجه مستقیم استثمار کارگران بی حقوق (آن هم به صورت سیستماتیک آن) در کشورهای حاشیه است، از وظایف ماست.

برای پیشبرد این وظایف، باید همکاری کرد. همه نیروهای چپ رادیکال، کسانی که به سوسیالیسم اعتقاد دارند، باید در کارزار مشترکی، با اجرای این وظایف بپردازند. باید از مکانیزم‌های جدید ارتباطی، از کارزاهای جهانی مبارزه با عدم پرداخت حقوق، علیه خصوصی سازی (همگی از شبکه‌های موجود و فعال جنبش ضد سرمایه داری) استفاده کرد، باید از امکانات فنی این جنبش برای ایجاد هماهنگی در اعتراضات کارگری در ایران استفاده کرد.

## سخنرانی و بحث آزاد

### نقد ماتریالیسم دیالکتیک

### مروری بر تزه‌های مارکس در نقد فوئرباخ

### سخنران: تراب

زمان: چهارشنبه ۵ ژوئن ۲۰۰۲ ساعت شش و نیم بعد از ظهر

مکان: کانون ایرانیان لندن

266/268 Holloway RD London N7

برگزارکننده: انجمن ایرانیان سوسیالیست

### سخنرانی نماینده اتحاد چپ کارگری در

### کنفرانس حزب سوسیالیست اسکاتلند

موضوع: محور شرارت زمان ۲۶ ماه مه ۲۰۰۲

اطلاعات بیشتر در سایت اتحاد چپ موجود است

## .... دنباله سخنرانی یاسمین میظر از ص ۳

ما تجربه تلخ تشکلهای کارگری وابسته به گروههای سیاسی را به خاطر داریم. احزاب و گروههای سیاسی، از جمله حزب توده، سازمان فدایی و... کارگران را نه به عنوان طبقه‌ای مستقل با اراده و نظر مستقل طبقه‌ای، بلکه به مثابه وابسته و تابع سیاست‌های خود می‌خواستند. نتیجه اسفناک این سیاست‌ها را در زیگزاگ‌های تشکلهای کارگری ایران در سالهای تاریخ ساز دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۳۰، و بعد از آن در ۱۳۵۷، و سالهای ۵۹۶۰ دیدیم. حزب توده، اکثریت ... طبقه کارگر ایران را به دفاع از ارتجاعی‌ترین سیاست‌ها کشاند، دفاع از جنگ ارتجاعی، دفاع از تولید بیشتر برای جنگ ارتجاعی و...! تکرار این تجربه، بزرگترین اشتباه است.

کسانی که به مبارزه طبقه کارگر اعتقاد دارند، نیروهایی که حاکمیت طبقه، نه حزب، فرقه و جریان خود را میخواهند، موضع خود را در این رابطه روشن کرده‌اند.

اما وظایف ما چیست؟ مبارزه کارگران ایران، ابعاد بین‌المللی دارد و مهم‌ترین وظیفه ما تبلیغ این مبارزات در سطح جهانی و کسب حمایت بین‌المللی برای این مبارزات است.

به رغم تبلیغات گسترده بورژوازی، طبقه کارگر در سطح جهانی، تنها طبقه‌ای است که قادر است همبستگی بین‌المللی از خود نشان دهد. تجارب متعدد در سال‌های اخیر همبستگی کارگران اروپایی علیه آپارتید در آفریقای جنوبی، همبستگی کارگران جهان با کارگران بیکار شده بندر لیورپول انگلیس و ... نمونه‌های روشن و بارز این همبستگی هستند. باید آنها را بکار گرفت و از آن کارزاری گسترده در دفاع از کارگران ایران، خصوصاً در کسب حقوق معوقه خود، علیه بیکارسازی‌ها راه انداخت. کارگران اروپایی و آمریکایی بدرستی میدانند گسترش چنین سیاست‌هایی، به نفع طبقه کارگر نیست، اما باید پذیرفت که اتحادیه‌های کارگری موجود (در اروپا، استرالیا و ایالات متحده) این پتانسیل را از دست داده‌اند. اکثراً در دوره دولت‌های سوسیال‌دمکرات و در پی حملات گسترده دولت‌های محافظه‌کار، ضعیف و غیرسیاسی شده‌اند و تنها عناصر سیاسی (چپ) در جنبش کارگری، از «همبستگی بین‌المللی» درکی دارند.

از این روست که باید جنبش جهانی ضد سرمایه داری را به سرنوشت طبقه کارگر ایران آشنا کرد و این جنبش را درگیر دفاع بین‌المللی از این مبارزات نمود. (منظورم جنبش علیه جهانی‌شدن سرمایه نیست، جنبش ضد سرمایه داری است)

باید از تجارب کارگران روسیه و لهستان در مبارزه علیه عدم پرداخت حقوق آموخت و این تجارب را به طبقه کارگر ایران انتقال داد. کارگران روسیه در سطح گسترده‌ای با عدم پرداخت حقوق مواجه هستند و در برابر این اجحاف، مقاومت رزمنده‌ای را برای حفظ شغل خود و کوشش برای تضمین پرداخت حقوق برپا نموده‌اند. در مواردی، کنترل اداره کارخانه یا مرکز تولیدی را به عهده گرفته‌اند. در مواردی با پول خودشان برق و آب قطع شده به کارخانه را (که در ایران هم مکرر اتفاق افتاده) راه انداخته‌اند و کارخانه و اموالش را به نفع خود تصاحب کرده‌اند.

انتقال جزئیات این تجارب به کارگران ایران، آگاه‌کردن کارگران در سطح جهان به این امر که کار بی حقوق کارگران در ایران و کشورهای چون لهستان، روسیه، پاکستان، هند،

## ...مصاحبه با پرفسور تیکتین از ص ۱

این مسیله بیش از پیش در سراسر دنیا عمل میکنند، از جمله آرژانتین. در نتیجه منطقی ایجاب میکند که کارگر از رای دادن خود داری کند و یا به یکی از نمایندگان که بر علیه سیاستهای احزاب شناخته شده سرمایه داری ایستاده است، رای دهد.

میشود پرسید چرا این مسیله زودتر اتفاق نیافتاد. به نظر من یک علتش این است که استالیانیسم امکاناتی در اختیار داشت تا مانع از رشد چپ شود و از طرف دیگر با گذشت زمان آبروی احزاب «دولتی» بیش از پیش ریخته شد. همراه این دلایل باید تاکید کرد که تا چندی پیش طبقه کارگر احزاب «چپ رادیکال» را نیروی جدی حساب نمیکرد. اکنون قضایا فرق کرده است.

۱۱ درصدی که در فرانسه، در انتخابات ریاست جمهوری به مجموع احزاب چپ افراطی رای دادند، نشانه ای از مرحله جدیدی در گسترش نیروهای واقعی چپ غیر استالیانیست است. در سری لانکا، ۳ میلیون نفر به چپ افراطی رای دادند. البته در فرانسه سابقه رای دادند به نیروهای چپ رادیکال در انتخابات محلی و پارلمانی وجود دارد ولی هیچگاه به این حد نرسیده بود. در بریتانیا، کشوری که خارج از منطقه اسکاتلند آن، نیروهای چپ هیچگاه موفقیتی نداشتند، شکل گیری «اتحاد چپ» که تا حدی مانع از دعوای کوشمکشیهای سکتاریستی شده است، باعث شد در انتخابات شوارهای محلی، این اتحاد ۶ درصد آرا را به دست آورد که تا حدی تعجب آور است.

واضح است که بورژوازی بریتانیا از این رای نگران است و کوشش میکند تظاهر کند اتفاقی صورت نگرفته است. مثلا رونامه های بورژوازی اشاره ای به این مسیله نداشته اند (تنها مجله اکونومیست مقاله مفصلی در این رابطه درج کرده است). در فرانسه یکی از شیوه هایی که بکار رفت، تاکید بر رای «لوپن» بود تا موفقیت چپ را تحت الشعاع قرار دهند.

در حقیقت در دور اول رای او تنها چند هزار رای بیشتر بود و شکست «ژوسپن» بیشتر ناشی از این بود که بخش گسترده ای از کارگران به احزاب چپ دیگر رای دادند. سوسیال دمکراتها چپ را مقصر میدانند (چرا که درصد رای ژوسپن را پایین آورد) ولی در حقیقت این رای اعتراض به سیاستهای سوسیال دمکراسی بود.

به نظر من در صد رای چپ رادیکال روز به روز بالا خواهد رفت، تنها سوال سرعت این روند است. رای به «لوپن» و احزاب نیمه فاشیست بیشتر نشانه ناامیدی خرده بورژوازی و بخشی از طبقه کارگر است که از احزاب استالیانیست گسسته و هنوز امیدی به چپ رادیکال ندارد. همگام با رشد یک چپ واقعی، کارگران ناامیدی خود را از دست خواهند داد و این احزاب نیمه فاشیست آنگاه تنها به حمایت خرده بورژوازی منتهی خواهد شد. طبقه اجتماعی کوچکی که اجزا آن با هم همبستگی ندارند.

سوال ۲. شما از اتحاد های کنونی چپ بریتانیا، اتحاد چپ در انگلیس و ولز و حزب سوسیالیست اسکاتلند که از اتحاد دو حزب و نیروهای منفرد شکل گرفته، چه انتقادهایی دارید؟

جواب. به نظر من هر دو اتحاد، هم «اتحاد چپ» انگلیس و هم حزب سوسیالیست اسکاتلند برای اولین بار در ۸۰ سال گذشته (یعنی پس از سالهای دهه ۲۰ قرن بیست) موفق شده اند بخشهایی چپ را متحد کنند. به همین دلیل است که در انتخابات هم موفقیتهایی داشتند. این به خودی خود گامی به جلوس است اما تنها به شکلی نطفه ای، یعنی آغازی لازم، گرچه ابتدایی است.

مهمترین اشکال حزب سوسیالیست اسکاتلند این است که میتوان گفت تا حدی ناسیونالیست و د رمواردی رفرمیست است. مثلا «تامی شریدن» رهبر این حزب کوبا را سوسیالیست میدانند که تنها موضعی استالیانیستی است بلکه نشانی از دفاع از تنز سوسیالیسم در یک کشور است. از طرف دیگر بسیاری از اعضا و فعالین این حزب انترناسیونالیست، ضد رفرمیست (انقلابی) و ضد استالیانیست هستند. به نظر من با گذشت زمان این حزب به سمت چپ خواهد رفت یا حداقل بخش عمده ای از آن در صف چپ رادیکال قرار خواهد گرفت.

«اتحاد یا ایتلاف چپ» در انگلیس مقوله دیگری است چرا که همه نیروهای تشکیل دهنده آن سازمانها و احزاب خود را حفظ کرده اند (برخلاف حزب سوسیالیست اسکاتلند). البته من به رفرمیسم در بخشهایی از این اتحاد که در تبلیغات و عملکرد شان دیده میشود، انتقاد دارم ولی در میان نیروهای این اتحاد هم تفاوتی زیاد وجود دارد، که اشکالی ندارد.

مسیله اصلی در انتقاد به هر دو جریان این است که جز در فعالیتهای انتخاباتی، پارلمانی همکاریها و دخالتهای سیاسی شان محدود است. تعداد اعضایشان محدود است و تأیید و دخالتشان در تشکلهای کارگری ناکافی است.

پایان استالیانیسم به بخش عمده ای از چپ اجازه داده کمتر سکتاریست باشد و د رمواردی اتحاد را میسر کرده است اما زمان طولانی لازم است تا این کوششها به شکل گیری احزاب انقلابی طبقه کارگر، بری از انحرافات ۸۰ سال گذشته بیانجامد.

۳. سوال. به نظر شما وظایف عمده چپ مارکسیست در دوران ما چیست؟

وظایف تاریخی چپ مارکسیست سه گانه است. البته باید تاکید داشت که رهایی طبقه کارگر تنها به دست طبقه میسر است اما وظیفه مارکسیستها کمک به توسعه تیوری دوران معاصر است، تامین آموزش مارکسیستی و ایجاد امکانات تشکیلاتی.

هدف ایجاد حزب. تشکل کارگری با آگاهی بالاست با رهبری طبقاتی که به تیوری مارکسیستی مسلط باشد.

گیج سری، ناامیدی، بی خیالی که بر بخش گسترده ای از طبقه کارگر و روستاییان حاکم است از مشخصه های دوران کنونی است. برای مقابله با این شرایط، مارکسیستها باید تاکید کنند که اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای استالیانیست «سوسیالیست» نبوده و نیستند. باید تاکید کنند که بنیاد گرایی مذهبی نمیتواند به مشکلات امروزی پاسخ دهد در حالیکه سوسیالیسم چنین توانایی دارد و میتواند راه حلهای جدی برای فرد و اجتماع ارایه کند.

ما در دوران افت سرمایه داری زندگی میکنیم و هرگاه تمدنی در افت و دوران گذار به جامعه نوین باشد، وظایف امروز باید راه حلهای آینده را در بر داشته باشد. ولی هنوز به آینده نرسیده ایم و ارایه راه حلهای عملی ممکن نیست.

در دوران پایانی فودالیسم مسیله نبود بهداشت در شهرها را تا ر شد و استقرار نظام سرمایه داری نمیشد حل کرد و گسترش برخی بیماریها در این دوره گذار بدتر شد. امروز در سطح جهان میتوان با بیماریهایی چون مالاریا، وبا، ایدز ... به سرعت مقابله کرد به شرطی که جامعه منابع مالی خود را در این راه بکار گیرد اما در عوض پولهای کلان خرج اسلحه، ارتباطات و مسافرت صاحبان ثروت میشود. دارو به صورت خصوصی تولید میشود و سرمایه داری توجهی به تولید داروهای مورد نیاز فقرا، (به قیمت ارزان یا مجانی) ندارد.

بسیاری در مهبی که استالیانیسم، سوسیال دمکراسی و ایدیولوژی های دیگر ایجاد کرده اند، راه حلهای واقعی را نمیبینند. وظیفه مارکسیستهاست که این راه حلها را نشان دهند.

## ...دنباله اخبار کارگری ...از ص ۹

مراسم اول ماه به دعوت "خانه کارگر" در تهران

در روز اول ماه حدود ۲۰ هزار کارگر در میدان قزوین تهران به مناسبت روز جهانی کارگر به دعوت "خانه کارگر" گرد هم آمدند. کارگران با حضور در این تجمع «مخالفت خود را با هرگونه تغییر غیرکارشناسانه در قانون کار و برگرداندن آن به نفع سرمایه داران اعلام کرده و خواستار لغو قراردادهای موقت و انحلال شرکت های پیمان کاری، تعیین سطح دست مزد کارگران متناسب با هزینه های زندگی، اجرای سریع بازنشستگی پیش از موعد و تجدیدنظر در مصوبه شورای عالی کار پیرامون افزایش دست مزد سال ۸۱» شدند. گروهی از کارگران شرکت قطعات فولادی کرج، نان ماشینی خوشه بهار و ... با در دست داشتن پلاکاردهایی خواهان رسیدگی به وضعی معیشتی و دریافت حقوق معوقه خود شدند. در این مراسم این شعارها نیز داده می شد: کارگر، کارگر اتحاد اتحاد؛ اعتصاب حرفه ای ایجاد باید گردد؛ حقوق حقه ما ایفا باید گردد؛ قرارداد موقت، قرارداد اسارت؛ ادغام نه! سازمان تأمین اجتماعی مستقل می خواهیم؛

اول ماه مه در اصفهان

صدها نفر از کارگران کارخانه های مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر در خیابان چهارباغ بالای اصفهان تجمع و راهپیمایی کردند. به گزارش ایسنا، کارگران در این راهپیمایی با سردادن شعارهایی هم چون اعتصاب، اعتصاب حق ماست؛ قانون بازنشستگی اصلاح باید گردد؛ شرکت های پیمانی، عامل برده داری؛ نوسازی، بازسازی، ویرانه شد نساجی؛ حقوق حقه ما، احیاء باید گردد؛ ما مظلوم اولیم؛ فلسطین دومیم؛ خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. در این مراسم عبدالرحیم تاج الدین نماینده اصفهان سخن رانی کرد و سیدحسن هاشمی رئیس شوراهای اسلامی کارگری قطع نامه پلانی راه پیمایی را قرائت کرد.

راهپیمایی اول ماه کارگران سمنانی با لباس مشکی

در روز جهانی کارگر کارگران سمنانی در اعتراض به کم توجهی مسئولان به خواسته های صنفی شان، با لباس مشکی دست به راه پیمایی زدند. ایسنا گزارش داد حسین طاهرزاده دبیر اجرایی "خانه کارگر" سمنان در این مراسم گفت: «روز ۱۱ اردیبهشت روز اظهار وجود کارگران است که مطالبات خود را به صورت قطع نامه، اعلامیه و سخن رانی اعلام می دارند و در شهرستان سمنان کارگران در اعتراض به افزایش بسیار ضعیف دست مزد با لباس مشکی راه پیمایی می کنند» و سپس افزود: «قراردادهای موقت کار، امنیت شغلی را از بین برده است، به نحوی که در حال حاضر کارگران تحت استعمار و استثمار قرار گرفته اند.» و ادامه داد: «کارفرما با قراردادهای یک ماهه تا سه ماهه کارگر را وارد کار می کند و به مجرد این که کارگر حرفی بزند و مطالبات خود را مطرح کند، او را تهدید به اخراج یا عدم تصدیق قرارداد می کند. این استعمار است و حق کارگر داده نمی شود» و در پایان افزود: «چرا کارگرانی که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، چهار نماینده در مجلس دارند؟»

کارگران معترض خیابان بهشت رشت را مسدود کردند

کارگران باز خرید شده شهرداری در شهر رشت به نشانه اعتراض، صبح روز یازده اردیبهشت ۸۱ با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری خیابان بهشت را مسدود کردند. به گزارش ایسنا در روز کارگر این افراد خواهان بازپس گرفتن مطالبات خود از شهرداری شدند. یکی از این کارگران گفت: «با ۲۱ سال سابقه خدمت، شهرداری حدود یک میلیون تومان به ما پرداخت و باز خریدمان کرد». کارگران باز خرید شده شهرداری پیش از این نیز در سال ۸۰ بارها مقابل ساختمان شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران تجمع کرده بودند. این کارگران از عواقب امضای تعهدنامه باز خرید اظهار بی اطلاعی کردند. هم چنین آنان مدعی هستند که توسط مسئولان شهرداری گم راه شده اند. در هنگام تجمع کارگران شهرداری، نیروی انتظامی در محل حضور داشتند.

حرکت جمعی کارگران کارخانه های مختلف تهران

در دهم اردیبهشت ماه ۸۱ جمع کثیری از کارگران کارخانه های مختلف تهران از جمله کارگران شرکت «جامکو»، «کفش شادان پور» دست به یک اعتراضی در "خانه کارگر" زدند. در این گردهم آیی کارگران شرکت جامکو پرچمی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: «۱۴ ماه است که حقوق نگرفته ایم». اعتراض خود را به عدم پرداخت حقوق معوقه ابراز داشتند. یکی از کارگران این شرکت گفت: «در تمام این مدت فقط صندوق حمایت به ما کمک کرده است و هنوز از هیچ مرجعی نتوانسته ایم کمک بگیریم». هم چنین یکی از کارگران شرکت شادان پور گفت: «حدود ۵ ماه است که برخی از کارگران شرکت زیر پوشش بیمه بیکاری رفته اند اما من به این دلیل که ده سال پیش از این بیمه استفاده کرده ام تحت پوشش بیمه نیستم و امروز با شش سر عائله هیچ محلی برای امرار معاش ندارم.»

کارگران «جهان چیت» خیابان را مسدود کردند

کارگران کارخانه «جهان چیت» کرج در روز ۷ اردیبهشت ۸۱ در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای خود، ضلع جنوبی خیابان بهشتی کرج را مسدود کردند. طی سه ماه گذشته این سومین بار است که کارگران کارخانه جهان چیت در مقابل این کارخانه گردهم آیی اعتراض آمیز بر پا کردند.

گردهم آیی کارگران چیت ری

کارگران کارخانه «چیت ری» نیز در روز ۷ اردیبهشت ۸۱ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود از اسفندماه گذشته تاکنون، در محوطه ساختمان بنیاد مستضعفان دست به تجمع اعتراضی زدند.

حرکت اعتراضی کارگران نساجی کاشان

گروهی از کارگران کارخانه جات ریسندگی و بافندگی شماره یک، دو، سه، مخمل و ابریشم کاشان در سوم اردیبهشت ۸۱ در مقابل اداره تأمین اجتماعی این شهر تجمع کردند. این کارگران برای دومین روز متوالی نسبت به عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد برای کارگران بی کار واحدهای نساجی دست به تجمع اعتراضی زدند. .... دنباله در ص ۷

## ...دنباله اخبار کارگری... از ص ۶

اعتراض کارگران جامکو

در سوم اردیبهشت ۸۱ کارگران کارخانه جامکو، یکی از کارخانه‌های تولید پوشاک در تهران در اعتراض به تعویق یک‌ساله در دریافت حقوق‌شان در مقابل سازمان صنایع ملی تجمع کردند.

حرکت اعتراضی کارگران زنجان

گروهی از کارگران شرکت آلفازنجان در دوم اردیبهشت ۸۱ در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و حق بیمه، در مقابل «خانه کارگر» این شهر تجمع اعتراضی را سازمان دادند.

تجمع اعتراضی کارگران شاهرود

جمعی از کارگران «فصلی» کارخانه قند شاهرود در اول اردیبهشت ۸۱ در اعتراض به بی‌کاری خود در مقابل اداره کار و امور اجتماعی این شهر دست به یک تجمع اعتراضی زدند.

گردهم‌آیی اعتراضی کارگران سمنان

کارگران کارخانه نساجی و ریسمن‌ریسی سمنان در ۱۹ فروردین ۸۱ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات‌شان در محل اداره کار و امور اجتماعی استان دست به یک گردهم‌آیی اعتراضی زدند.

تظاهرات مستقل زنان در ایران

مرکز فرهنگی زنان، طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان، «لحظه‌ای به زنان جنگ بیاندیشیم»، برای روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۸۱، هم‌وطنان را دعوت به گردهم‌آیی کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده بود که: «زنان، کودکان، گم‌نامان تاریخ جنگند. راستی چند زن را می‌شناسید که در دوران جنگ مورد آزارهای جنسی، تجاوز و کشتار قرار گرفته باشند و نامی هم از آنان به میان آمده باشد؟ ما این زنان را می‌شناسیم چرا که ما زنان ایرانی جنگ را آزموده‌ایم. بیشترین قربانیان در یاسین، صبرا و شتیلا، زنان بودند و امروز «جنین» کشتارگاه حکومت‌های تروریستی است. یا در خانه‌های‌شان زیر بمباران می‌مانند یا با آزارهای جنسی فرو می‌ریزند و یا با عملیات انتحاری به پایان جهان می‌رسند تا شاید «شارون»‌ها را فرو ریزند. لحظه‌ای به زنان و کودکان، قربانیان پُر شمار جنگ بیاندیشیم. زنانی که ناخواسته وارد جنگ‌هایی مردانه شده‌اند و همواره سعی کرده‌اند صلح بیافرینند، اما مجال‌شان نداده‌اند». این تجمع با حضور تعدادی از زنان و مردان در مقابل سفارت فلسطین در تهران، اولین گردهم‌آیی علنی و مستقل زنان طی ۲۰ سال گذشته بود. در این تجمع زنان با پوشش‌های زردرنگ تمام قد که بر روی آن نوشته شده بود «جهان دیگری ممکن است»، و حمل پلاکاردهایی با عناوینی چون: «مسئله جنگ و صلح مهم‌تر از آن است که دولت‌ها برای آن تصمیم بگیرند»، حمایت از جنبش همبستگی جهانی، «نسل کشی را متوقف کنید»، «این جنگ بین دو کشور نیست، این جنگ مذهبی نیست... این جنگ می‌تواند متوقف شود»، به چشم می‌خورد.

در این برنامه که به عنوان تریبون آزاد اعلام شده بود، چند تن از زنان سخنرانی کردند. یکی از سخنرانان در بخشی از سخنانش گفت که: «امریکا تلاش می‌کند با ایجاد جو علیه تروریسم، به اهداف و منافع خود دست یابد. وی به پیامدهای این جو بر جهان اشاره کرد از جمله، «بی‌کاری نیروی کار، فقیر شدن زن‌ها، افزایش عظیم هزینه‌های جنگی، تأسیس سازمان‌های سرکوب‌گر مخالفان و جنبش‌های مردمی و کنترل اطلاعات». او سپس از کسانی نام برد که به رغم تصویر سیاهی که جهان عرضه کرده است با این ظلمات می‌جنگند و افزود، «آنها نیروهای هم‌بستگی جهانی هستند که در فلسطین سیر انسانی شده‌اند و در فاصلهٔ تانگ‌های اسرائیل و ملت بی‌دفاع فلسطین قرار دارند. جوانانی هستند که به ارتش اسرائیل فراخوانده شدند اما از شرکت در آن سرباز زده‌اند و اکنون در زندان اسرائیل به سر می‌برند».

در بین سخنرانان دو زن جوان نیز در تریبون سخنرانان قرار گرفتند. یکی از آنان با اشاره به این نکته که «مسائل زنان جدا از تحولات سیاسی قابل حل نیست، افزود که آزادی بیان در منطقهٔ عربی با رژیم‌های حاکم بر این جوامع پیوند نزدیکی دارد و این رژیم‌ها در اغلب موارد از سوی امریکا حمایت می‌شوند. دختر دیگری که بخشی از صورت‌اش را با چفیه پوشانده بود، با ذکر این حقیقت که «زندگی حق انسانی زنان است و آن‌ها فریاد می‌زنند نجات‌مان دهید» و ادامه داد که «زنان باردار بدون برخورداری از حق زایمان و جلوی چشم‌های بسته جهانیان به سختی مورد تعرض قرار می‌گیرند و کودکان‌شان متولد نشده در شکم مادر جان می‌دهند». او پرسید «چرا جهان در برابر این وحشی‌گری‌ها سکوت می‌کند؟»

در پایان مراسم زنان شرکت‌کننده، پلاکاردهای خود را بر زمین گذاشتند و دست‌های‌شان با بالای سرشان بردند و دست می‌زنند و شعار می‌دادند. مرکز فرهنگی زنان، برای تمامی روزنامه‌های اصلاح‌طلب و هم‌چنین خبرگزاری‌های ایسنا و ایرنا، خبر برگزاری مراسم را اعلام کرد، اما جز روزنامهٔ بنیان، روزنامهٔ دیگری این برنامه را اعلام نکرد. پس از پایان مراسم، شرکت‌کنندگان تعدادی از پلاکاردهای خود را برای نشان دادن موضع‌گیری مستقل خود، در کنار دیگر پلاکاردهایی که به نرده‌های سفارت فلسطین نصب شده بود، قرار دادند. به واقع آنان اولین گام علنی را برداشتند تا بگویند جهان دیگری ممکن نیست، جز این که هر یک از ما به وجدان بیدارمان رجوع کنیم و در جهت آن گام برداریم و هزینه بپردازیم.

خواست زن ایرانی	حمایت از جنبش همبستگی جهانی
وجدان زن بیدار است	ضد جنگ و کشتار است
خواست زن صبرایی	آزادی بیداری رهایی
خواست زن افغانی	آزادی بیداری رهایی
خواست زن عراقی	آزادی بیداری رهایی
خواست زن فلسطینی	آزادی بیداری رهایی
خواست زن ایرانی	آزادی بیداری رهایی

این‌ها از جمله شعارهایی بودند که زنان مستقل ایرانی، روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت در تهران، برای اعلام همبستگی با زنان فلسطین فریاد برآوردند.

## پیام های همبستگی با کارگران ایران!

زنجیره‌ای، فعالیت شبانه‌روزی‌اش، توجه رسانه‌های خبری فارسی زبان را جلب کرد. در پیام خود مینویسد، مبارزه اساسی علیه دیکتاتوری سرمایه‌مبارزه کارگران ایران است. برای من و دیگر فعالین چپ در کمیسیون بررسی قتل‌های زنجیره‌ای، افشای نقش جمهوری اسلامی در این قتل‌ها از آنجا اهمیت دارد که امیدواریم سهم خود در تضعیف سرکوب و دیکتاتوری دولت مدافع سرمایه در ایران را ایفا نمایم.

روز اول ماه مه امسال، اتحادیه‌ای که من به آن تعلق دارم، در کنار فعالین جنبش ضدسرمایه‌داری روز اول ماه مه (و نه در تظاهرات فرمایشی اتحادیه‌های سراسری بریتانیا) شرکت میکند و ما از کارگرانی دفاع خواهیم کرد که برای روزنامه «لیبرال» «گاردین» کار میکنند، ولی حقوقی کمتر از حقوق حداقل دریافت میکنند. ...

«تری برازستون» استاد تاریخ در دانشگاه آبردین، عضو تحریریه نشریه کریتیک، عضو «جنبش برای سوسیالیسم» و مسئول اتحادیه استادان دانشگاهی در شرق اسکاتلند، با یادآوری فعالیت‌های تئوریک مشترک با اتحاد چپ کارگری میگوید: تنها راه مبارزه با جنگ‌افروزی‌های ایالات متحده و بریتانیا در منطقه، دفاع از مبارزات کارگران ایران و منطقه علیه دولت‌های ارتجاعی منطقه و بنیادگرایی اسلامی است. پیامی که رفیق «گلابو بردالی» از سازمان بریتانیایی «رهایی کارگری» در بیان متفاوتی بر آن تاکید دارد.

همچنین پیام‌هایی از فعالین جهانی ضدسرمایه‌داری در «ایندی میدیا انگلیس» و پابلو کالا نماینده بخش آسیای «مقاومت جهانی» از خانم «هیلاری هوروکز» نماینده کمیسیون زنان اتحادیه‌های کارگری شهر ادینبورو، «جان بالنتیان» مسئول اتحادیه کارگران و کارمندان کتابخانه و بخش اطلاعاتی در «یونیورسیتی کالج» دانشگاه لندن، خانم «مارتاکوکو» نماینده اتحادیه دانشگاهیان، کینگز کالج دانشگاه لندن و از فعالین چپ آرژانتین ..... به همراه دو پیام از ایالات متحده، به ما رسیده است.

در بخشی از پیتی می‌گوید که از آمریکا به اتحاد چپ رسیده می‌خوانیم: دوستان عزیز، همبستگی هم‌طبقه‌ای‌های خود در ایالت متحده آمریکا را بپذیرید. وقت آن رسیده که کارگران جهان در همبستگی با یکدیگر، مبارزه مشترکی علیه سرمایه را در دستور کار خود قرار دهند. وقت آن رسیده متحد و یکپارچه، شانه به شانه یکدیگر بایستیم. سرمایه و مدافعان‌اش از مذهب، آپارتاید، نژادپرستی، استفاده میکنند تا در صفوف ما شکاف بیاندازند. وقت آن رسیده علیه آنها اتحاد نمایم.

اگرچه رسانه‌های خبری جهان در ۱۲ ماه گذشته توجهی به مبارزات روزانه کارگران ایران نداشته‌اند، درج این اخبار توسط نیروهای مدافع طبقه کارگر از جمله اتحاد چپ کارگری، باعث شده امسال در اول ماه مه امسال برخی از فعالین و تئوریسین‌های جنبش کارگری، جنبش جهانی ضدسرمایه‌داری توجه ویژه‌ای به این مبارزات داشته باشند و پیام‌های بیشماری از این فعالین در همبستگی با مبارزات کارگران ایران به ما رسیده است که به درج مختصری از برخی از آنها اکتفا میکنیم.

پرفسور ایستوان مزارش در پیامی کتبی و در صحبتی شفاهی با یادآوری ویژگی‌های بیکاری در کشورهای در حال توسعه و گسترش نامنی شغلی در کشورهای توسعه یافته میگوید، استخوان‌بندی نظام سرمایه، چون شبکه جنگل ماندنی از تضادهاست که تنها بری مدت معینی تواند مهار گردد، از جمله تضاد تولید و مصرف، تولید و گردش سرمایه، رقابت و انحصار، پیشرفت و عقب‌ماندگی، تولید و تخریب، گسترش اشتغال از یکسو، و بیکاری از سوی دیگر، تضاد میان گرایش انحصارات فراملیتی و محدودیت‌های لازم و اعلام شده از سوی دولت‌های ملی علیه رقبا، تضاد میان ارزش اضافی کار (استثمار) از طریق کنترل اقتصادی و کنترل سیاسی و دهها تضاد دیگر در نظام موجود. ممکن است شما در مبارزات روزمره خود را تنها بدانید اما واقعیت این است که در مبارزه عمده دوران ما که انتخاب بین سوسیالیسم و بربریت را پیش روی ساکنان این قاره قرار داده است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تدوام و پیگیری شما در این مبارزات، با همه مشکلات بیحد اقتصادی و سیاسی که با آنها مواجه هستید، قابل تحسین است و نشانی از مبارزه از امروز برای سوسیالیسم است چراکه بدون این مبارزات، بربریت سرمایه حتماً پیروز خواهد شد.

گرمترین دروهای من را به مناسبت روز جهانی کارگر بپذیرید.

ایستوان مزارش ۳۰ آوریل ۲۰۰۲

پیام‌های دیگر:

خانم لیز لستر، مسئول کمیته زنان و بخش بین‌المللی اتحادیه «یونیسون» در منطقه کامدون که سال گذشته دو قطعنامه در دفاع از حقوق کارگران زن در ایران به کنفرانس این اتحادیه ارائه کرد.

سیمون پیرانی، نائب دبیر اتحادیه خبرنگاران آزاد کار که در سال گذشته در افشای جمهوری اسلامی، و پخش نوارهای بازجویی از متهمان قتل‌های

اتحاد چپ کارگری برگزار می کند:

اخبار مبارزات کارگران در طول ماه مه!

## سینار!

ایرج آذرین: اتحاد سوسیالیستی کارگری

برهان: سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

تراب: گرایش سوسیالیزم انقلابی

یدی: اتحاد فدائیان کمونیست

گردهم آبی مستقل در ایران به مناسبت اول ماه مه!

به دعوت جمعی از کارگران ایران، مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر از ساعت ۱۷/۳۰ تا ۱۹/۳۰ عصر روز یکشنبه ۸ اردیبهشت ۸۱ در فرهنگسرای ارسباران (هنر) برگزار گردید. مراسم با خواندن قطعه‌ای شعر و سخن رانی دکتر اسکویی (اقتصاددان) آغاز شد. دکتر اسکویی ضمن انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت خاتمی و شفاف نبودن این سیاست‌ها، برپایی تشکلهای مستقل کارگری را ضروری دانست. مراسم با خواندن اشعاری از کامران جمالی با صدای شاعر ادامه یافت و پس از آن چند مقاله قرائت شد. محور اصلی مقالات و سخن رانی‌های ترتیب داده شده در این مراسم، ضرورت برپایی تشکلهای کارگری مستقل از احزاب و دولت بود. طی دو دهه اخیر این اولین مراسم مستقل روز کارگر بود که به طور علنی در مکانی عمومی برگزار شد.

مراسم مستقل اول ماه در تهران

در روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۸۱ نزدیک به ۴۰۰ نفر از کارگران صنوف تهران در سالنی سه راه جمهوری در تهران گردآمدند و در مراسمی که چهار ساعت و نیم به طول انجامید، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. عمده‌ترین خواست کارگران صنوف شرکت کننده در این اجتماعی قانونی شدن سندیکاهای مستقل کارگری بود. کارگران مختلفی در این مراسم سخن رانی کردند و خواست‌ها و مشکلات خود را عنوان نمودند. یکی از عمده‌ترین محورهای سخن رانی‌های و اعتراضات کارگران در مورد خارج کردن گروه بیشتری از کارگران از شمول قانون کار و مصوبات ضدکارگری بود که در سال گذشته توسط مجلس و دولت به تصویب رسید و به اجرا گذاشته شد. این گردهم آبی کارگری بدون درگیری به پایان رسید. ص ۶

زمان: شنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعد از ظهر

مکان:

The Pearson Lecture Theatre University College London Main Entrance Gower ST

نزدیکترین ایستگاه قطار زیرزمینی: Euston Square

### سخنرانی‌های اتحاد چپ کارگری در ایالات متحده آمریکا

واشنگتن: ۱۶ ژوئن - ضرورت اتحاد نیروهای چپ

واشنگتن: ۱۷ ژوئن - سخنرانی در کانون دوستداران فرهنگ ایران

بستن: ۱۹ ژوئن - ضرورت اتحاد نیروهای چپ

نیویورک: ۲۲ ژوئن - ضرورت اتحاد نیروهای چپ - ایران فورم

<http://www.etehadchap.com>

email: [us.east@etehadchap.com](mailto:us.east@etehadchap.com)

fax : 004631 139 897

00448701257959

شماره حساب پستی اتحاد چپ کارگری ایران در سوئد:

pg: 4289144-0

شماره فکس و آدرس پستی اتحاد چپ کارگری ایران:

Address: Box 22 33 40 314 Gtg Sweden

Fax: 0046 31139897 0044 8701257959

آدرس ما در اینترنت:

<http://www.etehadchap.com>

e-mail: [web@etehadchap.com](mailto:web@etehadchap.com)

آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا:

[us.east@etehadchap.com](mailto:us.east@etehadchap.com)

آدرس پست الکترونیکی کمیته زنان اتحاد چپ کارگری:

[zanan@etehadchap.com](mailto:zanan@etehadchap.com)

مسئول اجرایی بولتن: داریوش ارجمندی، سوئد

[ifa513g@tinet.se](mailto:ifa513g@tinet.se)

زنده باد سوسیالیسم!